

روزگار شیرین پلیس‌های قلبای

یکی از شیوه‌هایی که افراد تبهکار برای رسیدن به مقاصد خود به کار می‌گیرند، استفاده از لباس پلیس یا عناوین دیگری مثل مأمور وزارت اطلاعات، قوه‌قضائیه و عناوینی از این دست است. مهم‌ترین دلیل استفاده از این شیوه، ضعف عمومی هنگام مواجهه با مأموران واقعی است، بنابراین ضعف موجود، سبب اعتماد افراد به مأموران قلبای می‌شود و گرفتاری‌های بعد از آن رقم می‌خورد. فرماندهان پلیس همواره به مردم توصیه می‌کنند که هنگام مواجهه با افرادی که خود را مأمور پلیس یا مأمور دستگاه‌های دولتی معرفی می‌کنند از آنها کارت شناسایی معتبر درخواست کنند. در مقام عمل اما کمتر مأموری پیدا می‌شود که حاضر شود کارت شناسایی خود را به دست یک شهروند بسپارد تا بخواهد هویت وی را احراز کند. نکته دیگر اینکه تشخیص کارت شناسایی معتبر از غیر معتبر، فقط ممکن است از سوی یک مأمور پلیس امکان پذیر باشد و نه یک شهروند عادی، چراکه به دلیل پیشرفت‌هایی که در حوزه فناوری و امکان دسترسی به آن وجود دارد، ممکن است این تشخیص از سوی مأموران پلیس هم ممکن نباشد و تحقیقات بعدی منجر به کشف آن شود. یکی دیگر از دلایل تمکین عمده مردم از پلیس‌های قلبای پیدا می‌شود به موضع بالای مأموران پلیس نسبت به رفتار شهروندان است. از آنجا که پلیس همواره از موضع تحکم با مردم سخن گفته‌است، این رفتار از سوی پلیس‌های قلبای بازسازی شده و برای نیل به اهدافشان به کار گرفته می‌شود.

ذکر این نکته هم ضرورت دارد که عمده مأموران قلبای از اعتماد به نفس بالایی برخوردار هستند و در بسیاری از مواقع تشخیص آنها از پلیس واقعی دشوار است. یکی از مهم‌ترین دلایل این دشواری این است که آنها لباس پلیس به تن دارند، تجهیزات پلیسی از جمله اسلحه، شوکر، کارت شناسایی و بر گه مأموریت به همراه دارند و به دلیل تجربه‌هایی که در این راه به‌دست آورده‌اند، از مهارت‌های لازم هنگام مواجهه با سوزه‌هایی که در نظر دارند، برخوردار بودند، قوت می‌کرد.

مأموران قلبای البته در چند دسته از جرائم نقش پررنگ‌تری دارند. تخصص عده‌ای از این مأموران در سرقت در پوشش پلیس مبارزه با مواد مخدر است. این دسته از مأموران به صورت دو یا چند نفره مر تکب جرم می‌شوند. لباس تشخیصی به تن دارند و تنها تجهیزاتی که همراه دارند، بی‌سیم و اسلحه است که ممکن است قلبای باشد. این پلیس‌های قلبای بیشترین سوزه‌های خود را بین ارباب اتباع افغان انتخاب می‌کنند و به محل زندگی آنها در ساختمان‌های در حال ساخت می‌روند و به بهانه کنترل کردن اوراق هویتی‌شان، اموال آنها را سرقت می‌کنند. شیوه دیگر این دسته از مأموران راهزنی است. آنها با پرسه در جاده‌های خلوت با نشان دادن بی‌سیم به رانندگان عبوری آنها را متوقف و به بهانه کنترل خودرو، باشاری یا بارش را از داخل لوازم همراه مسافران سرقت می‌کنند.

دسته دیگری از جرائم در پوشش مأمور، مربوط به شکل‌گیری پرونده‌های آدم‌ربایی است. این دسته از مأموران قلبای همه‌مدتا با لباس و خودروی شخصی و در حالی که مجهز به بی‌سیم یا اسلحه هستند راهی مأموریت‌روغین می‌شوند و مأموریت آنها یا ربودن افراد پولدار برای اخاذی یا برای تسویه‌حساب‌های شخصی است. عمده سوزه‌های مورد نظر، هنگام مواجهه با این دسته از افراد با آنها همراه می‌شوند.

پرسش اساسی اما این است که هنگام مواجهه با این دسته از افراد چه باید کرد؟ یکی از مهم‌ترین ابزاری که برای کشف مأمور قلبای در دست است، راستی آزمایی از طریق تماس با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ می‌باشد. منتهی افراد باید شرایط لازم برای برقرار کردن تماس را ایجاد کنند و اجازه ندهند مدیریت ماجرا به دست افراد مقابل بیفتد. قطعاً آگاهی عمومی افراد جامعه از طریق آموزش‌های لازم تأثیر مهمی در پیشگیری از بروز آسیب‌ها خواهد داشت و افرادی که از مهارت‌های لازم در این باره برخوردار باشند کمتر دچار آسیب می‌شوند. در حوزه برخورد بر این دسته‌از جرائم در ماده۵۵۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ در خصوص «استفاده غیر مجاز از البسه، نشان‌ها، مدال‌ها و در جات نظامی» توسط مردم عادی آمده است: «هر کس بدون مجوز و به صورت علنی، لباس‌های رسمی مأموران نظامی و انتظامی، نشان‌ها، مدال‌ها یا سایر امتیازات دولتی را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود، مورد استفاده قرار دهد، به حبس از سه‌ماه تا یکسال یا جزای نقدی از یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار ریال تا عملیون ریال محکوم خواهد شد و در صورتی که از این عمل خود سوءاستفاده کرده باشد به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.» هر چند قانون در برخورد با این دسته از جرائم صراحت لازم را دارد، اما پایین بودن میزان مجازات و امکان دور زدن آن سبب شده است تا مرتکبان این دسته از جرائم با اطلاع از مفاد قانون همچنان مرتکب این جرم شوند.

کلاهبرداری ۴ میلیاردی مأمور قلبای بیمه

مأمور سبایق بیمه که با راه‌اندازی دفتر خدماتی موفق به کلاهبرداری ۴میلیارد تومانی شده‌است، بازداشت شد. به گزارش جوان، ۲۲ آبان‌ماه امسال بود که نماینده یکی از شرکت‌های بیمه وارد شعبه۱۳ دادسرای ناحیه۳۲ تهران شد و ماجرای یک کلاهبرداری میلیاردی را گزارش داد. او گفت: مردی ۳۷ساله که مجبئی نام دارد و از کارکن سابق بیمه‌است اقدام به کلاهبرداری ۴میلیارد تومانی از مشترکان کرده است. وی ادامه داد: مجبئی به خاطر اطلاعاتی که از کد و نمونه مهر نمایندگان دارد به شرکت‌های مختلف مراجعه کرده و با وعده بیمه‌نامه اقساطی موفق به عقد قرار داد و صدور بیمه‌نامه شده که بیمه‌نامه‌ها جعلی است. بعد از آن بود که پرونده به دستور باز پرس به اداره مبارزه با جعل پلیس آگاهی تهران ارجاع شد. با اطلاعاتی که نماینده بیمه در اختیار پلیس گذاشت کارآگاهان پلیس ۲۲ آبان‌ماه مخفیگاه مجبئی را در شمال تهران شناسایی و او را بازداشت کردند. در بازرسی از مخفیگاه متهم مشخص شد، او تاکنون حدود ۴۰۰بیمه‌نامه جعلی صادر کرده و تحویل مشتریان داده که مبلغ آن بیش از ۴میلیارد تومان است. سرهنگ جهانگیر تقی‌پور، معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری گفت: متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و با کامل شدن تحقیقات روانه زندان شد.

دختر ۱۷ساله وقتی فهمید خانواده‌اش با ازدواج او با مرد ۳۵ساله‌ای مخالف هستند مادرش را بی‌هوش کرد و پس از سرقت میلیاردي از خانه‌شان همراه مرد مسود علاقه‌اش به ترکیه رفت، اما چند روز بعد مرد ششاد از ترکیه گریخت و او را تنها گذاشت.

به گزارش جوان، چندی قبل مأموران پلیس با تماس تلفنی شهروندی در جریان سرقت میلیاردي از خانه‌ای در شمال تهران قرار گرفتند. مأموران دریافتند مرد صاحبخانه وقتی از سفر کاری به خانه‌اش بر می‌گردد، مشاهده می‌کند سارق با سارقانی همسرش را بی‌هوش کرده و از گاوصندوق خانه‌اش پول، طلا و اموال گرانبهت را سرقت کرده‌اند. بنابراین مأموران برای بررسی بیشتر راهی بیمارستانی شدند که زن صاحبخانه در آنجا بستری بود. مرد صاحبخانه به مأموران گفت: من تاجر فرش هستم و خانه‌ام در یکی از خیابان‌های شمال تهران است، چند روز قبل برای خرید فرش به تبریز رفته و همسر و دختر خوانده‌ام در تهران ماندند. ساعتی قبل وقتی از سفر کاری به خانه برگشتم، دیدم وسایل خانه بهم ریخته است و همسر و من بی‌هوش داخل پذیرایی افتاده‌است که او را به سرعت به بیمارستان منتقل کردم و پزشکان اعلام کردند اگر ساعتی دیرتر به خانه می‌رسیدم امکان داشت همسرم به خاطر ماده‌بی‌هوشی که به او برخوردار سخت قوت می‌کرد.

■ **دخترم برای سرقت میلیاردي را بی‌هوش کرد** زن میانسال در توضیح ماجرا به مأموران گفت: من و شوهرم بچه دار نمی‌شدیم و به همین خاطر ۱۶سال قبل از شیرخوار گاهی دختر یک‌ساله‌ای را به فرزندزی گرفتیم و اسم او را پونه گذاشتیم. من و پونه در این چند روزی که شوهرم مسافرت بود تنها بودیم تا اینکه ۲۴ساعت قبل پونه از من اجازه گرفت و به جشن تولد یکی از دوستانش رفت. چند ساعت بعد او در حالی که مقداری کیک تولد با خودش آورده بود به خانه آمد و گفت این کیک را دوستش برای من فرستاده است. با اصرار او کیک را با چایی خوردم که کم کم حالم بد شد و بی‌هوش شدم و دیگر چیزی نفهمیدم تا اینکه الان در بیمارستان به هوش آمدم که فهمید زمانی که من بی‌هوش بودم با کلیدم در گاوصندوق خانه‌مان باز شده و تمامی طلاها، سکه‌ها و پول‌های

خارجی که حدود یکمیلیارد تومان ارزش داشته سرقت شده است.

وی در ادامه گفت: من احتمال می‌دهم پونه و پسر مورد علاقه‌اش این نقشه را طراحی و اموال ما را سرقت کرده‌اند. چون مدتی قبل پونه، مرد ۲۵ساله‌ای را به نام حسام که از طریق شبکه‌های اجتماعی با او دوست شده‌بود، برای ازدواج به ما معرفی کرده،اما وقتی شوهرم درباره او تحقیق کرد، کیک را دوستش برای من فرستاده است. با اصرار او کیک را با چایی خوردم که کم کم حالم بد شد و بی‌هوش شدم و دیگر چیزی نفهمیدم تا اینکه الان در بیمارستان به هوش آمدم که فهمید زمانی که من بی‌هوش بودم با کلیدم در گاوصندوق خانه‌مان باز شده و تمامی طلاها، سکه‌ها و پول‌های

حواالت

سرویس حوادث۸۸۹۸۴۳۵

آرزوهای دختر ۱۷ساله در ترکیه بر باد رفت



■ **فرار سارقان به ترکیه**

با طرح این شکایت تیمی از مأموران پلیس به دستور قاضی پرونده تحقیقات خود را درباره این حادثه آغاز کردند.

بررسی‌های مأموران نشان داد پونه از مدت‌ها قبل با مرد خلافکاری به نام حسام ارتباط دارد و پس از این حادثه هم هر دوی آنها به طرز مرموزی ناپدید شده‌اند. بنابراین مأموران پونه و حسام را به عنوان مظنونان سرقت تحقیق قرار دادند، اما هر چقدر تلاش کردند ردی از آنها نیافتند تا اینکه در تحقیقات تخصصی دریافتند دو متهم چند روز پس از حادثه به صورت غیرقانونی از مرزهای غربی به کشور ترکیه گریخته‌اند.

در حالی که تحقیقات برای شناسایی مخفیگاه متهمان در کشور ترکیه از سوی پلیس اینترپل ادامه داشت به مأموران خبر رسید پونه به سفارت ایران در ترکیه رفته‌است و از آنها خواسته او را به ایران برگردانند. بدین ترتیب پونه پس از بازگشت به ایران از سوی مأموران در فرودگاه بازداشت شد. ■ **پسر مورد علاقه‌ام مرا در ترکیه جا گذاشت** متهم پس از دستگیری به مأموران گفت: مدتی قبل در فیسبوک با مرد جوانی به نام حسام آشنا شدم.او خوش را مهندس معرفی کرد و به من به ابراز علاقه کرد و در نهایت وقتی فهمید پدر و مادرم پولدار هستند پیشنهاد ازدواج داد. حسام با حرف‌هایش مرا فریب داد به طوریکه من عاشق او شدم و تصمیم گرفتم هر طوری شده با او ازدواج کنم. وقتی موضوع را با پدر و مادرم در میان گذاشتم آنها مخالفت کردند و من هم اصرار کردم اما فایده‌ای نداشت. حسام وقتی فهمید پدر و مادرم مخالف هستند، پیشنهاد داد که آنها را بکشیم تا اموالشان به من برسد. او می‌گفت با ثروتی که به من می‌رسد، می‌توانیم زندگی خوبی را در یکی از کشورهای اروپایی آغاز کنیم و با آن ثروت به آرزوهایم برسم اما من مخالفت کردم و در نهایت راضی شدم مادرم را بی‌هوش کنم و طلاهای او را سرقت کنیم و با پولش به کشور استرالیا برویم. آن شب نقشه را احسام طراحی کرد و کیک تولد را با داروی بی‌هوشی که تهیه کرده‌بود، آلوده کرد و من هم به مادرم خواندم. وقتی مادرم بی‌هوش شد در باز کردم و حسام وارد خانه‌مان شد و با کلیدی که در اختیار مادرم بود گاوصندوق را خالی کردیم. ما چند روزی در یکی از شهرهای شمالی مخفی شدیم و بعد دو نفری به صورت قاچاق به کشور ترکیه رفتیم. آنجا سه روز در هتل بودیم و قرار بود حسام کارهای سفارمن به کشور استرالیا را انجام دهد که ناگهان ناپدید شد و تازه فهمیدم که او به خاطر سرقت اموال خانواده‌ام مرا فریب داده‌است. پس از این به سفارت ایران رفته و موضوع را برای آنها توضیح داد و کارکن سفارت مرا هم به ایران برگرداندند.

در حالی که تحقیقات برای دستگیری حسام ادامه دارد، متهم برای ادامه تحقیقات در اختیار مقام قضایی دادسرای ویژه نوجوانان و اطفال قرار گرفت.

من خواست تا رضایت دهم اعضای بدن فرزندم نجات‌بخش جان چند بیمار شود. خیلی سخت بود اما قبول کردم و حالا هم رضی هستم که چند بیمار با اعضای بدن فرزندم نفس می‌کشند، ولی آنها را نمی‌شناسم. اینطور راحت تر هستم.»

در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و در شرح ماجرا گفت: «من و بهمن سالها بچه محل بودیم. در این مدت با هم رفیق بودیم و مشکلی نداشتیم. همه این حادثه به خاطر دختری بود که به او علاقمند بودم و قصد ازدواج داشتم.» متهم ادامه داد: «روزی با آن دختر در حال صحبت بودم که مقتول از آن خیابان گذشت. احساس کردم نگاه معناداری به ما کرد به همین دلیل عصبانی شدم و شب حادثه سراغش رفتم. ساعت حوالی ۱۱ شب بود که مقتول را در خیابان دیدم او با دوستانش

بود و من هم همراه چند نفر از بچه‌های محل بودم. نزدیکش شدم و گلابه کردم که همین بهانه درگیری بین ما شد. در آن درگیری افراد زیادی چاقو داشتند و من هم چاقو همراهم بود. اما به مقتول ضربه‌ای نزدم.» بعد از دفاعیات متهم، چند نفر که شب حادثه در محل حضور داشتند و به عنوان شاهد به دادگاه احضار شده‌بودند یک به یک در جایگاه ایستادند و گواهی دادند متهم چاقو را به سمت مقتول پرتاب کرده‌است و مرتکب قتل شده است.

در پایان هیئت قضایی رو به اولیای دم گفت: «با رضایت شما و اهدای اعضای فرزندتان چند بیمار به زندگی برگشته‌اند، حالا هم می‌توانید با گذشت از اشتباه متهم به او زندگی دوباره ببخشید.»

به این ترتیب قرار شد اولیای دم بعد از مهلت داده شده از سوی دادگاه در خواست نهایی خود را اعلام دارند.



شهادت مأمور پلیس

در شهرستان شادگان

یکی از مأموران پلیس شهرستان شادگان در جریان درگیری با مردی مهاجم به شهادت رسید. سرهنگ احمد خسروی، رئیس مرکز اطلاع‌رسانی ناجا به خبرنگار ما گفت: این حادثه ساعت ۸:۴۵ دقیقه صبح روز سه‌شنبه ۱۲ آذرماه در میدان مرکزی این شهر اتفاق افتاد که در جریان آن استواریکم یاسر سفیدرو از مأموران کلانتری ۱۱ مرکزی به شهادت رسید. در جریان تحقیقات پلیس مشخص شد که مهاجم مسلح هنگام عبور از محل استقرار پلیس، ناگهان مأمور کلانتری را هدف قرار می‌دهد و او را به شهادت می‌رساند. همزمان با تماس رهگذران با پلیس ۱۱۰ مرد مهاجم، دو نفر از رهگذران را هدف قرار می‌دهد که یکی از آنها با شلیک گلوله وی، جانش را از دست می‌دهد. سرهنگ خسروی ادامه داد: با حضور تیم‌های پلیس در محل مرد مهاجم از ناحیه پا هدف قرار گرفته و پس از بازداشت به بیمارستان منتقل می‌شود. وی گفت: تحقیقات از متهم در این باره جریان دارد.

فروش اموال سرقت شده از دیوار در دیوار!

سارق حرفه‌ای که با فریب فروشندگان مو تورسیکلت در سایت دیوار، مو تور آنها را سرقت می‌کرد و در همان سایت به فروش می‌رساند بازداشت شد.

به گزارش جوان، تحقیقات کارآگاهان پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران برای بازداشت متهم از دوم شهریور امسال به جریان افتاد. شاکي که مردی ۳۴ساله بود و شکایت خود را در کلانتری ۱۶ک و لنجک مطرح کرده‌بود، سرهنگ برای فروش مو تورسیکلت «بنلی» در سایت دیوار آگهی دادم. بعد از آن چند نفر برای خرید تماس گرفتند. یکی از آنها اصرار به خرید کرد و برای بازدید مو تور به در خانه‌ام آمد. بعد از توافق بر سر قیمت خواست که سوار شود و دوری برند که اعتماد کردم. آن مرد هم سوار مو تورم شد و فرار کرد. با اطلاعاتی که شاکي در اختیار پلیس گذاشت تحقیقات برای بازداشت متهم به جریان افتاد تا اینکه مخفیگاه وی در خیابان تجریش شناسایی و متهم سوم آذر بازداشت شد. او گفت: مو تور سرقت شده را در سایت دیوار به مبلغ ۱۶میلیون تومان فروخته است. سرهنگ قاسم دستخار، رئیس پایگاه یکم پلیس آگاهی گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم در جریان است.



قاتل خواهر بخشیده‌شد

پسر جوانی که در درگیری خواهر میانسالش را به قتل رسانده‌بود، از سوی اولیای دم بخشیده‌شد. متهم به زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.

به گزارش جوان، شامگاه هفتم تیرامسال قبل بود که قاضی ساسان غلامی، باز پرس ویژه قتل داسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از مرگ مشکوک زن میانسال‌ی در خانه‌اش حوالی شهرک ولیعصر با خبر و راهی محل شد. مأموران در محل حادثه با جسد زن ۴۲ساله‌ای به نام سارا روبه‌رو شدند که بررسی‌ها و صحنه حادثه حکایت از این داشت زن میانسال‌ی با خوردن دارو به زندگی‌اش پایان داده‌است. از سوی دیگر تیم جنایی با آثار خراش و کبودی روی بدن و گلولی ز فونت شده روبه‌رو شدند که نشان می‌داد این حادثه خودکشی نیست. بنابراین جسد به پزشکی قانونی فرستاده شد و تیم پزشکی قانونی هم اعلام کردند سارا را اثر فشار بر عناصر حیاتی گردن به قتل رسیده‌است. با اعلام نظریه پزشکی قانونی پرونده وارد مرحله تازهای شد و کارآگاهان تحقیقات تخصصی خود را برای بر ملا کردن راز قتل زن میانسال آغاز کردند. در ادامه بررسی‌ها خانواده سارا از خواستگار سابق سارا به نام حامد به اتهام قتل شکایت کردند، اما مأموران پس از دستگیری حامد دریافتند، وی هیچ دخالتی در قتل نداشته است و وی را آزاد کردند. مأموران در گام بعدی شوهر سارا را به عنوان مظنون به قتل همسرش دستگیر کردند که تحقیقات از وی هم نشان داد شوهر سارا هم در قتل دست نداشته است.

در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، مأموران به برادر مقتول که پسر جوانی به نام شروین است مشکوک شدند و وی را بازداشت کردند. متهم ابتدا منکر قتل شد اما وقتی مورد بازجویی فنی قرار گرفت با اظهار پشیمانی به قتل خواهرش اعتراف کرد. وی گفت: مدتی بود خواهرم با شوهرش که پسر عمومیم بود، اختلاف داشت و تصمیم گرفته بود، طلاق بگیرد. روز حادثه به خانه آنها رفتم تا او را از تصمیمش منصرف کنم. آن روز از خواهرم خواستم طلاق بگیرد که شروع به داد و فریاد کرد و من هم دهانش را با دست گرفتم که ناگهان خفه شد. پس از این مقداری قرص و دارو کنار جسد ریختم تا نشان دهم خواهرم خودکشی کرده‌است.

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه پدر و مادر و دو دختر مقتول به دادسرای امور جنایی رفتند و قاتل را بخشیدند. بنابراین متهم به زودی از جنبه عمومی جرم در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.